

باید کتابی دیگر نوشت (it is necessary to write another book)

شعری از محمود صناعی پور (the poem from mahmoud saneipour)

(آنچه آمد به سر ما ، آن بود که آمد به سر ما (What happened to us, that was when it came to us ,)

از تقدیر زمان بود ، یا آن تفکر در کاس سر ما ؟ (It was a matter of fate? Or that thought in our head)؟

کسی این سیر چه داند، از این تماشا گه پروین (nobody know this travelling , from this Pleiades,s theatre)

او داند ، آنچه از ماست ، همان آمده بسر ما (He knows, what which was from us, the same come on our head)

از دنیای آزاد ، آخر نفسی از ظلم چنین گفت (from the liberal world!, The last breath of oppression said so)

مگر امام تغییر ، نبیند، چه آمد بسر ما ؟ (He doesn't see the change program, what happened to us?)

آنروز پریان بگفتند ، خون از ارض بجوشد! (Angeles said on that day, boil blood from the ground !)

گفتا چه دانید؟ ارض است، قصه سیر و سفر ما

(said: what do you know? , It is the land, the story of the travelling and our journey)

گرچه فریاد بلند است، ز هر سوی، ز هر کوی (Although the shout is loud, on both sides, on both street)

گوهر به ثمن بخس فروختن، شد ما حاصل ما (Selling the pearl by the cheap price, Became our product)

گفتند: اجحاف فزون شد، آزادی سرنگون شد (They said The injustice increased, freedom was overthrown)

گفت آری، از اقبال گرما، اما از آن سلطه گر ما (He said yes, from our followers, but follows from our)

(sovereigers

بهر آزادی فردا ، باید رنج برد فراوان (for tomorrow's freedom, you have to suffer a lot)

بی رنج گنج فزودن ، کی دهد ما را، ثمر ما (the suffering is increasing treasure, who gives us, fruit)

عده ای در این گیتی ، فقط دفتر پندار نوشتند (some in this world was written only day-dreaming book)

آنان که پی پندار گرفتند، کی شدند مایه پرائر ما (Those who thought so, when did they become our most)

(effective theme?)

باید به تلافی بلند شد، چو حق خواهان سلحشور (We must rise to retaliation, like a warrior)

شاید طلوعی ز مغرب، که گفت: آینده نگر ما (Maybe the sun raised from west, that said, our forward-)

(looking

هاتفی گفت: قوت از عقل زاید ، نی از زور (The voice said: Strength from excess intellect, not from the force)

این حکمت گیتی ست، تا طرح کند تدبیرگر ما (this wisdom is the universe, so that our planner can plan)

از ناصح ایام ، نشد کاخ نشینی ، نگون بخت (from advice of the days, did not sit in the palace, unlucky)

هرگز دل کاخ نشینی نلرزید، از چشم تر ما (Never trembled, more than our eyes,s tears)

محمود کتاب خود را از آزمون نوشته ست (Mahmoud has wrote his book from reasonable test)

باید با تدبیر تغییر کند ، آنچه آمد بسر ما (Must be change with managing, what came to us?)

مورخ 20/17/6